

- به استقبال روز باشکوه اول ماه مه، روز جهانی کارگر میرویم!
- "سیاست مزورانه حاکم در خدمت به بقای طبقه ی حاکم"
- ناسیونالیسم، ایدئولوژی سرمایه داری
- تکرار بخش کمدی تاریخ اینبار توسط جمهوری اسلامی
- کمپین "نه به جمهوری اسلامی"!!!
- اشکال مبارزه بین بورژوازی و پروتاریا

...

**چيست قانون کنونی. خبرت هست از آن؟**

**حکم محکومی ما!**

**بهر آزاد شدن. در همهی روی زمین**

**از چنین ظلم و شقا**

**چاره ی رنجبران وحدت و تشکیلات است!**

**"لاهوئی"**

گرامی باد یازده  
اردیبهشت. روز جهانی  
کارگر. روز تجلی قدرت.  
اتحاد و همبستگی  
کارگران سراسر جهان  
علیه سرمایه داری.



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

# به استقبال روز باشکوه اول ماه مه. روز جهانی کارگر میرویم!



تاریخی و قدرت واقعی خود، میتوانند با حضور انقلابی و مبارزه علیه تمامیت سیستم سرمایه داری در هر شکل و لباسی (خواه با لباس دولت سرمایه دار و استثمارگر چین که به دروغ خود را کمونیست میخواند بوده، خواه با لباس مزورانه ی لیبرال دموکراسی غربی و خواه با لباس دیکتاتوری جمهوری اسلامی)، برای احقاق سوسیالیسم و لغو مالکیت خصوصی سرمایه داران بر ابزار تولید اقدام کنند و پس از برقراری حکومت شورایی کارگری، در پس خلع ید قهر آمیز از سرمایه داران در کنار وضع قوانین دموکراتیک و پیشروی انسانی در چهارچوب حکومت شورایی و در امتداد آن الغای طبقات و سقوط مفهوم کارگر و کارفرما، بتوانند با خودانگیزی و با میل خود کار کرده و صاحبان محصول کار خود باشند.

سازمان انقلابی ما با اعلام حمایت از مبارزات کارگران، با تاکید بر ارتقای هرچه بیشتر تئوری های منطبق با وضعیت کنونی کارگران در جهت پیشرفت آگاهی طبقاتی توده ی فرودست جامعه ایران و تاکید بر حضور نیروهای فدایی خود برای سازماندهی هرچه بیشتر هسته های سرخ و متصل به هسته های کارگری، در جهت بسیج نمودن توده ی فرودست و تسریع در روند انقلاب کارگری و برقراری سوسیالیسم تلاش میکند.

ما به پیروی از آموزگار بزرگ پرولتاریا و در جهت لغو نظام سرمایه داری به وسیله انقلاب کارگری اعلام میکنیم:

**" کارگران جهان متحد شوید "**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**

**برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی**

**زنده باد سوسیالیسم**

**سازمان اتحاد فداییان کمونیست**

**کمیته ایالتی تهران ۳۰/۱/۴۰۰**

این طبقه ی رنج بر که همواره در طول تاریخ سرمایه داری مورد استثمار فرادستان قرار گرفته است و برای تامین حداقل لوازم معیشتی اش، ناگزیر به فروش تنها دارایی اش یعنی نیروی کار خود به کارفرما، در برابر مقدار ناچیزی دستمزد که برابر با اندکی از ارزش واقعی کارش میباشد، بوده است؛

و نیز همواره آنکسی که با نپرداختن معادل واقعی ارزش کار کارگر، توانسته است بدون کارکردن سود برد و محصول کار کارگر را نیز تماما تصاحب کند، سرمایه دار بوده، باید یادآور شویم که این وضعیت در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری ای که رعایت حقوق کارگران را شعار قرار داده اند نیز برقرار بوده و سرمایه داران در هر جای جهان از ارزش واقعی کار کارگران، فقط به اندازه ی لازم برای توانایی زنده ماندن و کارکردن دوباره برای استثمار روزانه اشان را، به آنها پرداخت کرده، اگرچه در کشورهای سرمایه داری ضعیف تر نظیر ایران، که نهادهای حاکمیتی خود در مقام بزرگترین سرمایه داران دارای بنگاه های اقتصادی و الیگارش های مالی و مالکان بزرگ زمین، در کنار سرمایه داران بخش خصوصی قرار دارند و توامان با خلاء و نیز ضعف اجرایی حداقل قوانین حمایتی از کارگران و عدم وجود حق تشکل های غیر فرمایشی و مستقل برای کارگران، طبیعتا دوصد چندان کارگران استثمار میشوند و همان اندک قوانین حمایتی سابق به نفع طبقه ی کارگر نیز روز به روز توسط دولت، با مقررات زدایی به ضرر طبقه ی کارگر و به نفع سرمایه داران اعم از دولتی و خصوصی، منسوخ میشود.

اما مسئله اصلی اینست که کارگر در هر کجای جهان، متأثر از زیست در اصل سیستم سرمایه داری، در برابر کار بیگانه شده و متعلق به سرمایه دار، روز به روز از خود و زندگی خود بیگانه تر میشود و در عوض اقلیت چپاول گر اجتماع مبتنی بر مناسبات تولید کالایی، یعنی طبقه ی سرمایه دار، روز به روز فربه تر میشود. کارگران تنها با رسیدن به آگاهی سیاسی طبقاتی و شناختن جایگاه

“هیوا کلهر“

## ”سیاست مزورانه حاکم در خدمت به بقای طبقه ی حاکم“

سانسور و جعل اخبار و واقعیت، یکی با تقلیل عمق بحران (وظیفه ی طبقاتی اش را در راستای خدمت به منافع خود که همان منافع طبقه حاکمه است به نحو احسن انجام میدهد. با اینحال از میان اخبار اخیر، اشاره به برخی ازین تضادهای درون سیستمی و تاکید بر نقش بازیگردان اصلی در عرصه سیاست طبقه ی حاکمه خالی از لطف نیست. درحالی که پروژه برجام با تلاش دولت روحانی در دور اول، برای مدت کوتاهی توفیق برای سینه چاکان لیبرال دموکراسی غربی و منتظران سرمایه گذاران خارجی به ارمغان آورد اما بعد از مدت کوتاهی با شکست مواجه شد که این شکست به طور محسوس مطابق با میل و تلاش های تخریبی جناح اصول گرای ضد غرب که جناح اصلی حاکمیت همواره بوده، عیان گردید. در ادامه و در دور دوم دولت روحانی، با شکست برنامه های کابینه فعلی بویژه در عرصه سیاست خارجه با غرب، پروپاگاندای رسانه ای حاکمیت که همیشه حامی جناح اصول گرا و خط رهبری عملا بوده، از طریق ساخت سریال تا نقدهای تند و عریان و آمار و اخبار، با سعی در مقصر نشان دادن نمایندگان بر سر قدرت جناح اصلاح طلب یعنی کابینه روحانی، مفری برای گریز از بحران های عمیق اقتصادی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و حفظ رژیم، از این طریق پیدا کرده و تمام همتش را با عناصرش در این راستا بکار میبرد. اما از طرفی دیگر هم در امتداد همین سیاست با اعمال سیاست دوگانه و از بالا، در مواقعی که کار تخریب برای رقابت درون سیستمی به مرحله ی تصفیه عنصر تخریب شده ی رژیم میرسید، فرمانده کل قوا که خود رهبر ایدئولوژی حاکمه بوده، با سیاست حمایت از اساس و منافع نظام و در نقش ناجی بخشنده ی مهره های تحت امر خود، به حمایت ریاکارانه و لفظی از تمام مسوولین بر سر کار من جمله دولت اصلاح طلب فعلی میپرداخت و توصیه به رفع اختلافات مسوولین میکرد.

این سیاست یک بام و دوهوای خامنه ای، رهبر رژیم، تاکنون در حساس ترین رخداد ها و بحران های سیاسی رژیم، از طریق جراحی کردن برخی افراد یا جریان های متصل به نظام در نزد توده های مردم و بواسطه ی تبلیغات و افشاگری های منفی به نفع جناح تابع مشی خود و به نفع بقای قدرت سیاسی رژیم در منطقه تمام گشته. مثلا در جریان اخبار اخیر مذاکرات وین برای احیای برجام، حسن

در اخبار اخیر، بیش از پیش با نزدیک شدن به پایان دوره ی دولت فعلی و رسیدن به موعد انتخابات تشریفاتی رژیم، شاهد اختلافات جریانات درون طبقه ی حاکمه، بویژه دو جناح اصول گرا و اصلاح طلب هستیم. که اگرچه بخش عمده ی این اختلافات نمایشی بوده و برای جلب اعتماد مردم به حمایت از یکی از این جریانات متصل به حاکمیت و به تبع آن تشویق به مشارکت در انتخابات که فقط به معنای نمایش تصدیق اساس نظام توسط مردم، محسوب میشود، است؛ اما از طرفی دیگر بخشی از این اختلافات درون طبقه حاکمه نیز واقعی و البته ناشی از رقابت تنگاتنگ درون سیستمی برای کسب قدرت سیاسیست، که نه تنها هیچ یک به لحاظ بنیادین، ارتباطی با منافع طبقه ی فرودست ندارد، بلکه هر کدام در فرم و نوع خود (برخی با شعار صلح و مذاکره و فرم های ذیل چهارچوب نظام به دنبال گذار در راستای پیاده سازی تمام و کمال ایدئولوژی نئولیبرالیستی و هماهنگ با پروژه ی غربی جهانی سازی سرمایه بوده و برخی دیگر نیز با شعار تاکید بر استقلال ملی و ضدیت با امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و مقاومت اقتصادی) طبقه ی فرودست را به طریقی استثمار نموده :

یک جناح (اصلاح طلب و مشتقات آن) حامی استثمار طبقه ی کارگر بوسیله ی سرمایه داران بخش خصوصی و تحت رقابت با سرمایه داران غربی و مستقل از حاکمیت بوده و جناحی دیگر این حق استثمار کارگران و طبقه ی محروم را، حق شرعی و قانونی نهادهای حاکمیتی و دولت سرمایه داری میدانند و نیز میلی به واگذاری بازار خود برای رقابت با سرمایه داران غربی را ندارند، بنابر این با اتکا به شعار تولید ملی و اتحاد با سرمایه داران ضد غربی مثل چین و روسیه مایل هستند.

در این تنش های درون سیستمی نزدیک به موعد انتخابات، مردم بویژه توده فرودست بنابر تجربه ی زیسته ی سال های اخیر، دیگر نیک میدانند که هرکدام ازین جناح ها و نیز سوپاب اطمینان های رژیم نظیر خاتمی و موسوی، تا زمانی که از طرف مردم خطری برای اساس نظام ایجاد نشده، بر طبل اختلافاتشان میکوبند اما زمانی که در برهه های حساس، با خشم توده های فرودست که تحت فشار معیشتی، کمر خم کرده اند مواجه میشوند، یکسره برای سرکوب و خفه کردن فریاد گرسنگان و بیکاران و غارت شدگان متحد میشوند و هرکدام به طریقی (یکی با سکوت و کتمان، یکی با دستور شلیک، یکی با اوباش نامیدن، یکی با موعظه ی مردم برای حضور در انتخابات، یکی با

درون طبقه ی حاکمه و شناخت جایگاه واقعی ایده ی حاکم ضروری میباشد:

“در هر عصری عقاید طبقه ی حاکم، عقاید حاکم هستند. به عبارتی طبقه ای که نیروی مادی حاکم در جامعه است، همزمان نیروی فکری حاکم هم میباشد. طبقه ای که ابزار تولید مادی را در اختیار دارد، همزمان کنترل ابزار تولید ذهنی (فکری) را هم در دست دارد، در نتیجه عقاید کسانی را که فاقد ابزار تولید ذهنی هستند تحت انقیاد خود در می آورند... تقسیم کار که پیش از این به آن به عنوان یکی از نیروهای اصلی تاریخ نگاه می کردیم، خود را همچنین در درون طبقه ی حاکمه، به نام تقسیم کار مادی و ذهنی متجلی می کند. تا جایی که درون طبقه (حاکم)، یک بخش به عنوان متفکران طبقه ظاهر می شوند (ایدئولوژیست های مفهوم ساز و فعالی که ایجاد اوهم طبقه در مورد خودش را منبع اصلی امرار معاش قرار می دهند) در حالی که دیگران در همان طبقه نگرشی منفعل و پذیرا نسبت به این عقاید و احکام دارند، چرا که آنها در واقع اعضای فعال این طبقه هستند و وقت کمتری برای خیال پردازی به ساختن چنین عقاید و اوهمی در مورد خودشان دارند. این شکاف درون طبقه حاکمه حتی ممکن است به تضاد و تخاصم میان این دو بخش در یک طبقه منجر شود، اما در صورت وقوع یک برخورد واقعی که طبقه در خطر بیفتد، (اختلاف بینشان) به طور خود به خود و با طیب خاطر از بین می رود و همچنین توهمی که ایده ی حاکم، ایده طبقه ی حاکم نیست و قدرتی جدا از قدرت طبقه اش دارد نیز محو می شود.”

بنابر این خلق فرودست با آگاهی از این اختلافات درون سیستمی رژیم و شناخت بی نسبتی هر طیفی از نمایندگان طبقه ی حاکمه با منافع طبقه ی فرودست ، با موضع گیری علیه تمامیت جریان پروپاگاندای رسانه ای دستگاه حاکمیت و موج فعالیت های تبلیغی به نفع هر کدام از وابستگان طبقه ی حاکم که به دروغ و مزورانه برای رسیدن به قدرت و جایگاه بالاتر ، گاه شعار ” عشق به چگوارا“ و ” نان، مسکن، آزادی“ را با مصادره از کمونیست ها و فدایی ها، برای فریب خلق سر میدهند، و گاه شعارهای ملی گرایانه و گاه نیز مذهبی، موضع مبارزاتی و انقلابی خود را بر ضد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلام و تمام دستگاه فکری عریض و طویل در خدمتش نشان میدهد.

“هیوا کلهر”

روحانی در دفاع از مذاکرات وین و صد البته اشاره به نقش اصلی موافقت رهبری در کنار خودش با این مذاکرات، کنایه وار اعلام میکند: “ایران در دوره جنگ نیز با اجازه امام خمینی ، دوسال مذاکره کرده است”

این اشاره روحانی به گمانش برای گریز از قضاوت عمومی و متهم نشدن شخص او در صورت شکست در مذاکرات، میتواند کافی باشد. در حالی که در روزهای بعد خامنه ای، رهبر و فرمانده ی کل قوای رژیم فعلی در آستانه دور تازه مذاکرات وین برای احیای برجام ریاکارانه اعلام میکند:

“سیاست کشور معلوم است. تشخیص مسئولان ما اینست که برویم مذاکره کنیم. در این زمینه بحثی نداریم منتها مذاکره فرسایشی نشود.” و نیز میگوید: “اینکه آمریکایی ها مدام اسم مذاکره با ایران را می آورند، اینجور نیست که بخواهند مذاکره کنند تا حرف حقی را قبول کنند، آنها میخواهند مذاکره کنند تا یک حرف باطلی را تحمیل کنند” “ این سیاست که ما گفتیم باید تحریم ها اول برداشته شود، چون ما نسبت به وعده آنها خاطر جمع نیستیم ، تا بحال ده بار به وعده اشان عمل نکرده اند و ضد وعده عمل کرده اند، حالا هم همین کار را خواهند کرد”

بنابر این خوب شاهدیم که صحبت های فوق خامنه ای کما فی السابق، مبتنی بر انداختن تمام مسولیت های مذاکرات در صورت شکست بر عهده ی دولت فعلی، و در عین حال، اعلام موافقت ضمنی با مسوولین در صورت موفقیت احتمالی در مذاکرات است تا بدینوسیله توده ی مردم در صورت شکست مذاکرات وین، در وصف خامنه ای بگویند: عجب رهبر سیاس و پیشگویی! و در صورت موفقیت مذاکرات ، بگویند: توفیق با اجازه و درایت رهبری بود ! اگر چه این سیاست مذبذب و ریاکارانه ی خامنه ای مدت های مدیدی در جهت دهی به اذهان و به انحراف کشیدن آگاهی توده اثر گذار بوده، اما توده ی فرودستی که در گذر از به اوج رسیدن بحران های سال های اخیر رژیم و در مواجهه با شکل عریان حقیقت ایدئولوژی حاکمه که به سرکوب و اعدام و کشتار و زندان به شکل گسترده منتهی شده، به آگاهی سیاسی ناشی از درک عینی رسیده است ، خوب میداند که کابینه و دولت (در معنای خاص) در جمهوری اسلامی، نه به عنوان بازوی اجرایی بی چون و چرا و رئیس کشور، بلکه به عنوان مجری تحت امر و فرمانبردار دارای خط و ایدئولوژی مسلط بر طبقه حاکمه، میباشد پس نهایتا دولت رژیم از هر جناح درون سیستمی ای هم که باشد، در رقابت بین جناحین وابسته به حاکمیت، نفع مشترکی نیز بینشان وجود دارد که آن بقای طبقه ی سرمایه دار حاکمه و رژیم جمهوری اسلامی است. اشاره ای از کارل مارکس در ایدئولوژی آلمانی ، درباره ی رقابت های

## ناسیونالیسم. ایدئولوژی سرمایه داری

### بهمن فرهودی



حالی که کارگران و زحمتکشان، این مالکان اصلی این ثروت خود سهمی از آن ندارند، دریغ از اندک رفاهی در زندگی کارگران و زحمتکشان. ناسیونالیسم و کشور و میهن چیزی جز تلاش برای استثمار بیشتر کارگران و توده های تهیدست نیست. حکومتها تحت عنوان عوام فریب میهن پرستی کارگران وتوده های محروم را در سیطره و مالکیت خود درآورده اند. سالانه هزاران هزار آواره با رویای زندگی و معیشت بهتر و رفاه بیشتر راهی دیگر کشورها میشوند و همواره دولتها ذیل عناوین نژاد پرستانه و تحریک احساسات مردم محلی، آواره ها را سرکوب میکنند، بازداشت میکنند، دیپورت میکنند و یا به قتل میرسانند، آنچه ذکر شد بدین معنی است که ناسیونالیسم و رژیمهای مدافع تمایلات ناسیونالیستی و شوونیستی جزء فلاکت و استثمار و محدودیت بیشتر و بیشتر برای طبقه کارگر به ارمغان نیاورده اند.

به نظر من نقد ناسیونالیسم و اشکال آن میبایست با نگرشی طبقاتی و در بطن اجتماع رخ دهد. مسائل روز جامعه میبایست با تحلیل طبقاتی صورت گیرد، باید فاکتورهای شاخصه های طبقاتی داشته باشد نه از روی جامعه فرضی و بدون ارتباط با طبقه کارگر که بدنه اصلی اجتماع است.

بر خلاف تبلیغات عوام فریبانه رسانه های ملی گرا که میگویند امروز فقط باید به دنبال اتحاد برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی باشیم، کارگران و زحمتکشان میبایست همزمان با مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم لحظه ای از تلاش برای جلوگیری از به قدرت رسیدن سلطنت طلبان و ملی گرایان افراطی یا همان ناسیونال شوونیست ایرانی غافل نباشند.

در طول سالیان به دلیل حاکمیت دیکتاتوری اسلامی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، ماهیت عوامفریبانه و پر زرق و برق اما بشدت ارتجاعی اندیشه های ناسیونالیستی در بین ملیت ها و اقوام ایرانی، کمتر مورد نقد و افشا قرار گرفته. ناسیونالیسم و اسلام دو روری سکه ایدئولوژی زهر آگین سرمایه داری ایران و حکومتهای رنگارنگ دیکتاتوری آن است.

آنچه ما در طول تاریخ تحت عنوان ناسیونالیسم، ملی گرایی، میهن پرستی شاهد آن هستیم ابزاری در دست طبقه حاکم برای سوء استفاده از احساسات توده مردم و طبقه کارگر برای به بندگی کشیدن و در خدمت گرفتن این طبقه است.

در این شرایط که کرونا بیش از پیش رمق طبقه کارگر را گرفته و معیشت آنها را بیش از پیش تحت تاثیر خود قرار داده، تورم کمر شکن و گرانی های وحشتناک طبقه کارگر را در اسفناکترین وضعیت قرار داده، در این برهه که "انتخابات نزدیک است و بیم عدم شرکت مردم در انتخابات و تحریم آن موجب شده رژیم فاشیستی و جنایتکار جمهوری اسلامی در تلاش است با تحریک عرق ملی و دم زدن از تمامیت ارضی و عوامفریبی توده ها از تعصبات کور ناسیونالیستی در جهت اهداف و منافع ارتجاعی خود بهره برداری کند.

از پهلوی اول و دوم تا جمهوری اسلامی همه فقط و فقط یک هدف را دنبال کرده اند، چنگ انداختن بر امکانات و منابع و معادن این مرز و بوم و غارت و چپاول آن تحت عنوان حفظ میهن و عرق ملی و در

ایران یک کشور کثیر المله است و کسی نمیتواند این ویژه گی ایران را که کشور است محل اسکان ملیتهای مختلف، ترک، فارس، کرد، بلوچ، ترکمن و عرب و غیره انکار کند.

ستمی که در طول سالیان متمادی بر این ملیت ها روا شده است نیز غیر قابل انکار است. بغیر از تزییقات و تبعیضات اقتصادی و سیاسی (به استثنای ملیت فارس) آنها از خواندن و نوشتن و حتی در مواردی از صحبت کردن به زبان مادری خود نیز محروم بوده اند، برای همین هم رفع این تبعیضات و ستم ها به یکی از نکات گرهی مبارزه تبدیل شده و از خواست های مهم و اساسی دموکراتیک محسوب میگردد.

بطوریکه امروز کسی نمیتواند نام خود را دموکرات و آزادیخواه بگذارد ولی از مردمی که کار میکنند، تولید میکنند و مالیات میپردازند و... بخواهد که به هر دلیل و توجیهی این ستم را متحمل شده و صدایش در نیاید. اتفاقا موضع در برابر رفع ستم ملی و برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملل، معیار بسیار مهم و اساسی است برای شناختن دوستان و دشمنان آزادی. تا وقتی که در ایران مللی هستند که اینگونه در زنجیر اسارت به سر میبرند، استقرار آزادی و دموکراسی محلی از اعراب نخواهد داشت.

## تکرار بخش کمدی تاریخ اینبار توسط جمهوری اسلامی

مسعود موسوی

که به "حزب الله لبنان" اختصاص داده شده که حتی ابتدایی ترین نیازهای روزانه این مزدوران و خانواده هایشان را در بر میگیرد، گروه "الشباب" در سومالی، باند "فقه جعفری" در پاکستان، باند "گلبدین حکمتیار" و سایر جریانات طالبان در افغانستان، شیعیان بحرین و عربستان، دارودسته "شیخ زکزاکی" در نیجریه، "عمر البشیر" سودانی که تا مدتی به واسطه پایگاه نظامی که در اختیار سپاه قرار داده بود جیره خور رژیم شده بود، حتی در سالهای اول "جبهه آزادیبخش مسلمانان مورو" در فیلیپین از کمکهای جمهوری اسلامی بهره ها برد، به همه اینها باید سلاحها و موشکها و ادوات نظامی که پنهان و آشکار به هر سو کسب میکنند، را اضافه کرد، همچنین دستگاه عریض و طویل "جامعه المصطفی" که با جذب به اصطلاح دانشجو طلبه از تمام نقاط و تامین مخارج آنها دارودسته بزرگی از جیره خواران را به همراه شبکه گسترده مراکز فرهنگی و مذهبی و مساجد به منظور ترویج شیعه، از آمریکای لاتین تا آفریقا و اروپا را پوشش میدهد. مخارج سرسام آور و نجومی این تشکیلات عریض و طویل و این باندها و شبکه های مافیایی هیچگاه و در هیچ جایی ثبت نشده و همیشه پنهان بوده، مخارجی که از اموال و ثروت و دارایی های مردم این سرزمین پرداخت شده و میشود و تا به امروز توانسته بود با ایجاد این شبکه ارعاب و تهدید و تطمیع در منطقه که حتی دول اروپایی را علیرغم ادعاهای حقوق بشری شان از برخورد جدی با اقدامات جمهوری اسلامی باز میدارد (حتی در مواردی تن به همکاری و باج دادن به رژیم روی آوردند) و با وجود همه بحرانها به حیات خود ادامه دهد.

اکنون با تشدید تحریمها و مسدود شدن منابع درآمدی رژیم حاصل از فروش نفت، عملا تامین و تغذیه مالی و تسلیحاتی شبکه مخوف و مافیایی رژیم در منطقه مختل شده و همچنین با تشدید روزافزون بحران اقتصادی و رکود و به دنبال آن گرانی سرسام آور (که دقیقه ای افزایش میابد) و فقر و نارضایتی انفجار گونه توده ها، چشم اندازی را رقم زده که حکام جانی جمهوری اسلامی مأیوس از حمایتهای بی چون و چرای دول اروپایی و آمریکا، ورشکسته و مفلس و هراسان از آینده ترسناکی که پیش رو دارد و مزدورانش بارها به آن اعتراف کرده اند، به صرافت افتاده راه اسلاف جانی خود را در پیش بگیرد. اکنون تنها ضامن بقاء را در جلب نظر یک حامی به زعم خود قدرتمند دیده اند و با بهره برداری از رقابت ما بین امپریالیستها در توسعه حوزه نفوذ خود، با نشان دادن در باغ سبز و در طبق اخلاص گذاشتن تمامی منابع و ثروت این سرزمین و پیشکش آن به امپریالیسم چین، میکوشند خود را زیر چتر حمایتی چین قرار

در تاریخ همواره از سلاطین قاجار به عنوان فاسدترین حکام ایران نام برده شده که به چشم بر هم زدنی فی المثل فلان شیلات را واگذار میکردند تا خرج عیاشیها و سفرهای فرنگشان فراهم شود و البته در مواردی همچون واقعه تحریم تنباکو به سرعت تسلیم فشار توده ها شده و عقب میکشیدند. در دربار ملوک الطوائفی قاجار هر کس سر در آخوری داشت و سنگ یکی از دول فخریه خارج را به سینه میزد و میکوشید امتیاز بیشتری از پدر ملت، شاه قدر قدرت به چنگ آورد، رقابت بین دول روس و انگلیس و فرانسه لحظه ای متوقف نمیشد و سلاطین با درایت!! قاجار، در این میدان رقابت مجیز گوی هر دولتی که سهم بیشتری میداد، میشدند.

نکته مهم این بود که در این بده بستانها فقط منافع دربار و تداوم بقاء انگلی شاهان و کاسه لیسان دور و برشان مطرح بود و آنچه همیشه مغفول میماند منافع ملی و وضعیت کار و معیشت و زندگی توده ها بود. رعیت شمردن توده ها و اینکه تنها وظیفه عوام خدمت کردن به اربابان و سلاطین است، در طول تاریخ بوده و همه حکام و سلاطین حق طبیعی خود میدانستند تا هر گونه که میپسندند با رعایای و اموال و املاک خود رفتار کنند، در سایه سلطان که منادیان دین آنها را سایه خدا معرفی کرده بودند، رعیت! بی هیچ پناه و امیدی، تسلیم بخت و اقبال! خود بود هر از گاهی هم که شورش و قیامی صورت میگرفت سلاطین وقت در وحشیگری و جنایت و سرکوب از هیچ اقدامی فروگذار نمیکردند. اما در دوره قاجار این نگاه ضد انسانی با وقاحت و دریدگی و بی شرمی بی حدی بروز یافت.

اینک بعد از بیش از یک قرن تاریخ بار دیگر تکرار میشود اما در وجه کمدی آن و توسط جمهوری اسلامی که در وحشیگری و جنایت و ددمنشی گوی سبقت را حتی از خانهای مغول ربوده اند. جمهوری اسلامی که از آغازین روزهای شکل گیری اش در بذل و بخشش اموال و داراییهای این مردم برای مزدور پروری در منطقه و توسعه نفوذ خود در کشورهای اسلامی ذره ای تردید به خود راه نداده، هیچگاه به هیچ کس پاسخ گو نبوده و هیچ رد و نشانی از پولههای هنگفتی که در این چهار دهه خرج شده وجود ندارد، به عنوان نمونه سال پیش "فلاح پیشه" رئیس کمیسیون امنیت مجلس اعلام کرد که "ما در سوریه بین ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار خرج کرده ایم و هیچ بهره ای نبرده ایم"، مبالغ سرسام آوری که در یمن خرج میشود، پولههای هنگفتی که صرف پرداخت حقوق و مخارج نیروهای "حشد الشعبی" در عراق میشود، مبالغ کلانی که حتی به شکل چمدانی به "حماس و جهاد اسلامی" داده شده، بودجه کلانی

دهند. در قرار داد ۲۵ ساله ایران ( جمهوری اسلامی ) و چین تنها چیزی که مطرح نیست توسعه و آبادانی کشور و رفع بیکاری و ارتقاء زندگی و معیشت توده ها، از جانب هر دو دولت است. دیدگاه غالب جمهوری اسلامی در طی این چهل سال به خوبی عیان بوده که نسبت به توسعه و آبادانی و پیشرفت کشور هیچگاه دغدغه نداشته بلکه بنا به ماهیت طبقاتی اش همواره به دنبال کسب درآمد های سریع الوصول و سودهای سرشار حاصل از فعالیتهای اقتصادی کم ریسک بوده ( با مرور این چهار دهه به خوبی میبینیم که هیچ پروژه سنگین و زیر ساختی و مادر اجرایی نشده بلکه اغلب صنایع و کارخانجاتی هم که از قبل بوده رفته رفته به مخروبه بدل و زمین آنها به فروش رفته و در عوض همان تولیدات داخلی با کمترین هزینه وارد شده، تنها در بخشهایی سرمایه گذاری شده که مستقیماً به تضمین بقاء رژیم مرتبط بوده خصوصاً بخش نظامی و تسلیحاتی ) و اکنون هم فقط به بقاء خود فکر میکند حال به هر قیمتی مهم نیست.

حاکمیت سرمایه داری چین هم که لقب کمونیست را یدک میکشد ( و محمل خوبی فراهم شده تا دستگاههای تبلیغی سرمایه داری با شارلاتان بازی از آن برای تخریب وجه کمونیسم و مذموم نشان دادن آن بهره ببرند ) با اقتصاد مبتنی بر تولید انبوه کالاهای مصرفی با نازلترین قیمت و صادرات گسترده ( سیاست سود کم فروش زیاد ) آن شکل گرفته، با داشتن قریب به یک میلیارد و چهار صد میلیون نفر جمعیت و ۷۸۳ میلیون نفر کارگر، در پی فراهم نمودن و تسهیل روند صادرات تولیدات این حجم عظیم نیروی کار است و تحت عنوان سمبلیک احیای راه ابریشم معروف، با طرح یک کمربند - یک راه و صدور ارزانتر و آسانتر کالاها از طریق زمینی به اروپا است. البته این بخشی از سیاست چین است، این رژیم در کنار سیاستهای لیبرالیستی، همان اهداف مستعمراتی کردن کشورها را که دهه هاست سرمایه داری پشت سر گذاشته، در پیش گرفته، با روشی محیلانه و با به طمع انداختن حکام فاسد و رشوه بگیر کشورهای فقیر و ورشکسته و وعده دادن وام و سرمایه گذاری در آن کشورها منابع مالی در اختیار آنها میگذارد و با اعمال نرخهای بالای بهره وامها منجر به انباشت بدهی میشود، کشورهای دریافت کننده وام، ناتوان از بازپرداخت دیون ناچار به گردن نهادن به قرار دادهایی برای واگذاری بنادر و معادن و راهها به چین میگردند. بسته چینی در بر دارنده چند عنصر ثابت است: قرار داد ۲۵ ساله، سرمایه گذار چینی، کارگر و متخصص چینی، تکنولوژی چینی، یک یگان از ارتش چین به نام "پلیس صنعتی".

در تمام قراردادهای شرکتی چینی باید طرف اصلی قرارداد باشند، در آفریقا بیش از ۱۰۰۰۰ شرکت چینی مشغول به کارند، کلیه تکنولوژی ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی ۴۸ کشور آفریقایی توسط شرکتهای چینی ساخته و راه اندازی شده و توسط آنها اداره میشود، در سال ۲۰۱۷ دولت سریلانکا ناتوان از باز پرداخت وام یک میلیارد دلاری مجبور شد بندر "هامبانتوتا" را به همراه ۱۵ هزار هکتار زمینهای مرغوب حاشیه بندر به مدت ۹۹ سال به چین واگذار کند، در سال ۲۰۱۳ مدیریت بندر

گوادر پاکستان به همراه ۲۲۸۲ جریب از اراضی حاشیه بندر به منظور ایجاد منطقه آزاد تجاری به چین واگذار شد، جیبوتی ۷۷ درصد تولید ناخالص ملی خود را به چین بدهکار است که در ازای این بدهی چین اولین پایگاه نظامی و دریایی خود در خارج چین را در این کشور برپا کرده است، کنیا ناتوان از باز پرداخت بدهی ۸/۹ به چین قرار است بندر " مومباسا " را به چین واگذار کند، کشورهای زیادی از جمله تاجیکستان، قرقیزستان، لائوس، کامبوج، مالدیو، پاکستان، مونتنگرو در تله بدهی چین گرفتارند و اکنون نوبت ایران است که در قرارداد ۲۵ ساله پذیرفته بنادر جاسک و چابهار را به چین واگذار کند و چین اجازه دارد ۵۰۰۰ نیروی نظامی برای حراست از منافع خود در ایران مستقر کند و در طی این بیست و پنج سال ایران متعهد میگردد با تخفیف ۳۲٪ نفت چین را تأمین کند.

دو سوم از سرمایه ۴۰۰ میلیارد دلاری که قرار است چین به ایران منتقل کند به صورت کالاهای چینی است و مابقی آن به "یوان" به شرکتهای چینی که قرار است مجری پروژه ها در ایران باشند پرداخت خواهد شد. در سال ۲۰۱۷ پنج میلیارد دلار در ایران سرمایه گذاری خارجی صورت گرفته، در سال ۲۰۱۹ این میزان به ۵/۱ میلیارد و در سال ۲۰۲۰ به یک میلیارد کاهش یافته و اکنون چین پذیرفته طی ۲۵ سال معدل ۴۰۰ میلیارد دلار و به عبارتی سالی ۱۶ میلیارد دلار در ایران سرمایه گذاری کند و همه اینها با بهره های سنگینی که معمولاً در این قراردادها از طرف چین اعمال میشود مبیایست با نفت ۳۲٪ تخفیف خورده طی بیست و پنج سال باز گردانده شود. این یعنی به تاراج دادن و غارتگری علنی انهم برای طرحهایی که به هیچ وجه نیاز به سرمایه های خارجی نیست، برای چین تنها فعالیت در توسعه بنادر و پروژه های راه سازی و بهره برداری از معادن جذابیت دارد و در کشورهای مختلف فقط در این حوزه ها فعال بوده ( استخراج از معادن طلا در ایران هم در دستور قرار دارد )، استخراج معادن این کشورها و تأمین منابع مورد نیاز صنایع و کارخانجات در چین و تبدیل آنها به کالاهای مصرفی و بنادر و راهها به عنوان تسهیل کننده توزیع و فروش آنها، تنها اولویت چین است.

در این میان لیبرالهای درون حاکمیت ( که دل درگرو آمریکا و اروپا دارند ) سخت به تکاپو افتاده اند تا هر چه زودتر قضیه برجام و رفع حداقل بخشی از تحریمها را به سرانجامی برسانند و با برقراری ارتباطی جدیدتر با غرب و به خصوص "کدخدا" و حصول توفیق در این ارتباط و جلب سرمایه ها، مانع از به نتیجه رسیدن این قرارداد ( با چین ) شوند. و قابل توجه نوع برخورد مزورانه خامنه ای است که محیلانه به تماشا نشستنی تا اگر اقدامات باند روحانی - ظریف به نتیجه رسید از آن به نفع خود بهره برداری کند و در غیر این صورت دولت و رئیس جمهور را مورد شماتت قرار داده و اعلام کند که من گفتم این کار نتیجه نمیدهد.

# کمپین “ نه به جمهوری اسلامی ” !!!

کیومرث منصوری

توده ها و حتمی بودن سقوط دیکتاتوری مخوف پهلوی سرمایه جهانی با حمایت از خمینی و کمک به راه یابی وی به قدرت این نگرانی را به شکلی حل کرد و ۴۲ سال اقتدار بلامنازع و غارتگرانه سرمایه داری محفوظ ماند بلکه استثمار و غارت با وحشیانه ترین شکلی تداوم یافت ولیکن اکنون فردی که نفوذ کلام و اقتدار وجه خمینی را داشته باشد وجود ندارد و در عین حال هیچ کدام از جریانات بورژوازی توانایی بدل شدن به آلترناتیو و سوار شدن بر موج نارضایتی توده ها و کنترل قیام ویرانگر عنقریب آنها را ندارند، اکنون جناحهای مختلف بورژوازی در تکاپو هستند که اگر نتوانند خیل عظیم مردم ناراضی را به گرد خود جمع آورند حداقل با شقه شقه کردن و ایجاد دسته بندیهای متعدد و جلوگیری از همبستگی و اتحاد توده ها از پتانسیل نیروی بالقوه آنها قبل از آنکه بالفعل درآید، بکاهند.

در این راستا حتی کار به جایی رسیده که ” گربه عابد شده ” و امید آینده سلطنت، جمهوری خواه از آب درآمد و رسماً از نظام جمهوری اعلام حمایت کرده تا حداقل وجه نیافته ای که از سلطنت طلبی حاصل نشد در جمهوری بدست آید. پاره ای از حضرات کمپینی با وقاحت بسیار وعده گل و بلبل شدن همه چیز را در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی و اسقرار پادشاهی میدهند، گویی با عده ای سفیه یا کودک روبرو هستند. مردم به تنگ آمده و عصیان زده صریحاً با شعارهای بسیار مانند ” فقط کف خیابون - بدست میاد حقمون ” ” دولت سرمایه دار دست از سر ما بردار ” به خوبی نشان داده اند که سرنگونی جمهوری اسلامی با هیچ اقدام شیک و تمیز و مودبانه با اصطلاح مدنی ممکن نیست، سرنگونی تنها روحیه انقلابی میطلبد، مبارزه انقلابی میخواهد و وقوع انقلاب چاره آن است، کماینکه در طی این سالها رژیم به خوبی نشان داده که هیچ زبانی جز زبان قهر و مشت آهنین نمی فهمد.

پایان دادن به سرکوب و جنایات و ددمنشی رژیم سرمایه داری حاکم تنها با متلاشی کردن قهر آمیز بنیان ها حاکمیت سرمایه و ماشین سرکوب و جنایت آن، حاصل خواهد شد، هر آنچه غیر از این از جمله براه انداختن کمپین و اقدامات مدنی بی خطر و طرح برگزاری رفراندم دروغی بیش نیست و به قصد نجات مناسبات سرمایه داری از خطر سیل بنیان کن کارگران و زحمتکشان و تهیدستان، است. بی شک انقلاب چاره کار است.

چندی است در فضای مجازی کمپینی تحت عنوان ” نه به جمهوری اسلامی ” به راه افتاده و همگان را دعوت به مشارکت میکنند. از آن دست اقدامات مبارزاتی! بی خطر و نمایشی که فقط به قصد اعلام وجود صورت میگیرد و به واقع هیچ هدف و برنامه ای را دنبال نمیکند. نه به جمهوری اسلامی را نه، بلکه مرگ بر جمهوری اسلامی را بسیار پیشتر از این توده های در اعتراضات خیابانی ۹۶ و ۹۷ و از همه مهمتر ۹۸ در فضای واقعی و با صدای رسا بیان کردند و همه جهان شنیدند و جمهوری اسلامی به خود لرزید و هراسی به جان گرفت که دیگر از آن خلاصی ندارد. مرگ بر جمهوری اسلامی کمپین نیاز ندارد و بلکه عزم و اراده و از جان گذشتگی میطلبد که در گفتمان حضرات موسوم به سلطنت طلب و جمهوری خواه جایگاهی ندارد.

در شرایط سیاسی فعلی که همگان حتی خود رژیم به حساس و سرنوشت ساز بودن آن اذعان دارند سرمایه داران نگرانند با سرنگونی رژیم، سلطه و اقتدار خود را از دست دهند و شرایطی بوجود آید که منافع سرمایه داری در خطر قرار گیرد، در سال ۵۷ با اوج گیری قیام

تراکت شماره (۱) بنیاسیت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۴۰۰)

کارگران مبارز!

مبارزات اقتصادی طبقه کارگرتنها در ارتباطی صحیح و تفریق اصولی با مبارزه سیاسی علیه طبقه حاکم است که هم به بهبود وضعیت توده های کارگرمک میکند هم به ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی و تشکیلی آنها منجر میگردد.

در شرایط کنونی اتحاد کارگران و زحمتکشان تحت ستم و استثمار در یک جبهه انقلابی و واحد گامی مهم در مبارزه برای رسیدن به خواستها و مطالبات سیاسی و اقتصادی و نیز تجمیع نیرو گرد جنبش کارگری در نبرد علیه طبقه حاکم و قدرت سیاسی سرکوبگران است.

با شعار کار- مسکن- آزادی و اتحاد- مبارزه - پیروزی به استقبال اول ماه مه برویم دست از کار بکشیم و در هر موقعیت و مکانی هستیم و به هر نحو که میتوانیم در اول ماه می اتحاد و همبستگی خود علیه سرمایه داری را بنمایش بگذاریم.

سرنگون باد نظام سرمایه داری حاکم - زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست  
۲۷ فروردین ۱۴۰۰



کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست  
<https://fedayi.org/>  
فروردین ۱۴۰۰



ی طبقاتی در شکل سیاسی خود که شکل عالیتری است بروز میکند.

### ب - مبارزه سیاسی

مبارزه بخاطر نابودی پایه های نظام سرمایه داری ، مبارزه بخاطر در دست گرفتن قدرت سیاسی، بخاطر دیکتاتوری پرولتاریاست . پرولتاریا از راه مبارزه ی اقتصادی میتواند تاحدودی وضع مادی خود را بهبود بخشد و بورژوازی را بباره ای گذشتها وادار سازد ، ولی ارضا و تامین منافع عمیق اقتصادی و سیاسی او دایر بر رهایی از استثمار برای همیشه فقط با نابودی قدرت سیاسی بورژوازی و برقراری قدرت سیاسی پرولتاریا یعنی برقراری دیکتاتوری پرولتاریا امکان پذیر است . برای نیل باین هدف پرولتاریا به مبارزه ی سیاسی دست میزند و از وسائیل مختلف از قبیل اعتصابات سیاسی، دموستراسیونها، مبارزه ی مسالمت آمیز برای اشغال کرسیهای پارلمانی و بالاخره مبارزه مسلحانه استفاده میکند . معذک همه ی این وسائل در آخرین تحلیل تابع وظیفه تدارک و اجرای انقلاب سوسیالیستی است انقلاب پرولتاریائی سوسیالیستی عالیترین مرحله ی مبارزه طبقاتی پرولتاریا ، وسیله ی منحصر بفرد و قاطع نابودی سرمایه داری و تحصیل قدرت سیاسی توسط پرولتاریاست

### ج - مبارزه ی ایدئولوژیک

برای جنبش انقلابی پرولتاریا ، مبارزه ایدئولوژیک ، یعنی مبارزه با ایدئولوژی بورژوازی ، ایدئولوژی مسلط در جامعه ی سرمایه داری و بخاطر پیروزی ایدئولوژی پرولتاریائی سوسیالیستی ، اهمیت فراوانی دارد . تکامل سرمایه داری ناگزیر مستلزم اتحاد و تشکل پرولتاریاست معذک پرولتاریا برای نابودی نظام سرمایه داری نه تنها باید بمثابه طبقه تشکل شود بلکه باید بمنافع طبقاتی خود ، به وظیفه ی شگرف تاریخی خود آگاهی یابد . برای اینست که پرولتاریا به تئوری انقلابی نیازمند است خود پرولتاریا بعلت نداشتن وقت و فرصت ، نداشتن و کمی آموزش قادر نیست چنین تئوری را ایجاد کند . این تئوری انقلابی توسط روشنفکرانی که بسوی پرولتاریا آمدند تدوین گردید . این تئوری انقلابی جدید همان مارکسیسم - لنینیسم است که رهبران بزرگ پرولتاریا - مارکس و انگلس و لنین - آنرا ایجاد کردند ولی با تدوین تئوری مترقی انقلابی وظیفه پایان نمی پذیرد . پس از ایجاد چنین تئوری باید آنرا در افکار کارگران رسوخ داد بنابراین مبارزه ی ایدئولوژیک مبارزه علیه جریان خود رو در جنبش کارگری نیز هست ، مبارزه بخاطر اینکه توده های وسیع پرولتاریائی ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی را فرا گیرند مبارزه ی ایدئولوژیک نیز مانند مبارزه ی اقتصادی بخودی خود هدف نیست . این مبارزه تابع وظایف سیاسی جنبش ، تابع سرنگونی سلطه ی بورژوازی و برقراری سلطه ی پرولتاریاست.



## واژه ها و مقوله های

## فلسفی، سیاسی و اجتماعی

### اشکال مبارزه بین بورژوازی و پرولتاریا

با تکامل سرمایه داری پرولتاریا نیز رشد میکند و اشکال مبارزه ی او علیه بورژوازی متنوع تر و حادثر میگردد . مبارزه طبقاتی بویژه در سه شکل اقتصادی ، سیاسی و ایدئولوژیک تظاهر میکند

#### الف - مبارزه اقتصادی

ساده ترین شکل مبارزه است که برای توده های وسیع کارگران و زحمتکشان قابل حصول است . مبارزه ی اقتصادی مبارزه پرولتاریا است برای بهبود وضع مادی و شرایط کار و زندگی خود . این مبارزه بصورت مبارزات صنفی و مطالباتی در می آید کارگران ضمن این مبارزه از کار فرمایان افزایش دستمزدها ، کاهش ساعات کار ، تعیین حداقل مناسب دستمزد، مرخصی با استفاده از حقوق حق بازنشستگی ، بیمه ی اجتماعی ، حق تشکیل سندیکا و غیره را طلب میکنند و برای قبولاندن این خواستها با نوع پیکارها و منجمله به اعتصاب دست میزنند . مبارزه اقتصادی پرولتاریا از لحاظ تاریخی نخستین شکل مبارزه طبقاتی پرولتاریاست و نقش بزرگی در رشد جنبش انقلابی پرولتاریا دارد . این مبارزه توده های وسیع پرولتاریا را بمبارزه جلب میکند و مکتب خوبی برای سازماندهی و تشکل آنهاست در جریان مبارزه ی اقتصادی سطح آگاهی کارگران بالا میرود و همبستگی طبقاتی آنها را تحکیم میشوند .

در جریان این مبارزه بود که نخستین سازمانهای کارگری یعنی سندیکاها ، اتحادیه ها کئوپراتیوها و صندوقهای تعاون پدید آمدند اما مبارزه ی اقتصادی دارای خصلت محدود است . این هنوز مبارزه ی تمام طبقه ی پرولتاریا علیه طبقه بورژوازی نیست بلکه برخوردار گروههای کارگران با سرمایه دار صاحب این یا آن کارخانه و موسسه در این یا آن منطقه است . هدف این مبارزه اش اساس سرمایه داری یعنی مالکیت خصوصی وسائل تولید نیست و وظیفه ی محو قدرت دولتی بورژوازی را در برابر قرار نمیدهد . هدف مبارزه ی اقتصادی نه از بین بردن استثمار بلکه محدود کردن آن و کاستن آنست . با رشد و تکامل پرولتاریا مبارزه ی اقتصادی و صنفی کارگران کارخانه ها و مناطق جداگانه بمبارزه مشترک طبقه کارگر با طبقه سرمایه داری بمثابه یک واحد اجتماعی بدل میگردد و مبارزه

## هر دم از این آسمان ستاره ای به زیر میکشند و باز این آسمان پر ستاره غرق ستاره هاست !

چه فروزان اخترانی توسط جانیان سرمایه داری در طول تاریخ این سرزمین به خاک کشیده شدند و لیکن آنچه دریافت کردند جز حقارت و ذلت به همراه افزون شدن خشم و کین توده ها نبوده و مرگ هر لحظه و در هر جنایتشان بیشتر و بیشتر به آنها نزدیک



تحلیل طبقاتی جامعه به شرطی می تواند به شناخت نیروهای انقلابی و در نتیجه به سازماندهی و بسیج این نیروها کمک رساند که نه تنها از ترکیب و نقش اقتصادی طبقات و قشرها شناخت علمی به ما بدهد بلکه به خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و بالاخره موقعیت سیاسی این طبقات و قشرها بپردازد. متأسفانه در این مساله نیز مارکسیسم بد آموخته شده ذهنی و مدرسه ای، مثل همیشه به جای این که راهنمایی در عمل باشد، وسیله ای برای گواهی در عمل شده است. در میان این گرایش سطحی مانم نمایان. ما به مارکسیستهای برمی خوریم که نه تنها در پرتو آید نولوژی علمی طبقه کارگر راه را بهتر از آنان که با شناخت علمی پدیده های اجتماعی سر و کار ندارند می شناسند بلکه مارکسیسم در دست این افراد به آیات بی مصرف تنزل یافته است.

"تحلیل موقعیت نیروهای انقلابی در ایران"  
اثر رفیق بیژن جزنی

کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست  
<https://fedayi.org/>

**زنده باد سوسیالیسم**

شده ، مرگی سخت و مشمئز کننده که از آن گریزی ندارند . خبر کوتاه بود ، روز ۲۹ فروردین نه زندانی به قصد فرار از زندان اوین در تپه های اوین تیرباران شدند . هفت فدایی و دو مجاهد ، انسانهای شریفی که با به سخره گرفتن مرگ جاودانه شدند و هزاران ستاره آفریدند که تا به امروز و تا به ابد رهرو راه آنها هستند . اگر رژیم ددمنش پهلوی جرأت و جسارت چنین جنایتی را داشت و تپه های اوین را با خون رفیقانمان گلگون کرد ، جمهوری جنایتکار اسلامی تمامی ایران را با خون همپیمانان صادق و شجاع رفیق کبیرمان " بیژن جزنی " رنگین کرد . رژیمهای ددمنش بورژوازی ابلهانه میپندارند با به قتل رساندن کمونیستها حیات خود را تضمین خواهند کرد غافل از آن که هیچ راه گریزی برایشان متصور نیست چون کمونیستها فرزندان طبقه کارگر هستند و این طبقه ، زنده و پیشرو و آینده ساز و انقلابی میماند و سرمایه داری با همه حکومتهای الوانوش ، ارتجاعی و محتوم به فنا و نابودی هستند .

زنده و جاوید باد یاد و خاطره رفقای جانفشان فدایی  
زنده باد سوسیالیسم  
سازمان اتحاد فداییان کمونیست  
کمیته ایالتی تهران ۳۰/۱/۴۰۰

کارگران پیشرو و مبارز!  
با سازماندهی کمیته های مخفی کارخانه، هسته های سرخ و با تلفیق فعالیت علنی و مخفی به توده کارگران در جهت ایجاد شکل های مستقل و تحقق خواستهای فوری شان یاری رسانید.  
از طریق ایمیل زیر گزارشات ، نظرات و پیشنهادات ارزشمند و انتقادات سازنده خود را با ما در میان بگذارید و ما را در بالا بردن کیفیت نشریه و انجام وظایف انقلابی مان یاری رسانید.  
[Rah\\_sorkh@yahoo.com](mailto:Rah_sorkh@yahoo.com)  
راه سرخ در تلگرام  
[https://t.me/rahe\\_sorx](https://t.me/rahe_sorx)

تماس با سازمان اتحاد فداییان کمونیست  
روابط عمومی سازمان  
[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)  
کمیته آذربایجان  
[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)  
کمیته تهران  
[Tehran@fedayi.org](mailto:Tehran@fedayi.org)  
کمیته کرچ  
[karaj@fedayi.org](mailto:karaj@fedayi.org)  
کمیته کردستان  
[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورائی!